

تأثیر عواملی بجز سیاست آزادسازی بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در مناطق آزاد تجاری-صنعتی ایران

تاریخ دریافت: ۸۶/۱/۲۰

تاریخ پذیرش: ۸۶/۲/۲۴

صفحات: ۱۵-۴۰

مهدی تقوی *

مهدی رضایی **

در این مقاله، مدل جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به مناطق آزاد تجاری-صنعتی ایران با توجه به ادبیات و مطالعات مربوطه برآورد شده است. نتایج نشان می‌دهد که نرخ تورم اثر منفی و سرمایه‌گذاری داخلی اثر مثبت بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به این مناطق دارد. حاصل این پژوهش این است که یکسری تدابیر، فراسوی آزادسازی صرف ورود سرمایه‌خارجی

* دکتر مهدی تقوی؛ استاد دانشکده اقتصاد- دانشگاه علامه طباطبائی.

E. mail: mtaghavi@yahoo.com

** مهدی رضایی؛ پژوهشگر مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی.

E.mail: m.rezai@itsr.ir

برای موفقیت در جذب سرمایه‌گذاری خارجی به مناطق لازم است. اگر ایران در ایجاد محیط مناسب اقتصادی برای سرمایه‌گذاران داخلی؛ اعم از کل اقتصاد ملی و مناطق آزاد موفق باشد، در جذب سرمایه‌گذاران خارجی به مناطق آزاد نیز موفق خواهد بود. این پژوهش نشان می‌دهد که نرخ تورم بالا و جذب کم سرمایه‌گذاران داخلی به مناطق آزاد، نشان‌دهندهٔ مخاطره کشوری در ایران است که این امر از یک طرف باعث کاهش سرمایه خارجی به مناطق می‌گردد و از طرف دیگر جذب کم سرمایه داخلی نیز به دلیل اثر مکملی آن بر جذب سرمایه خارجی، جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به مناطق را کاهش می‌دهد.

کلید واژه‌ها:

ایران، مناطق آزاد تجاری، مناطق آزاد صنعتی، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، نرخ تورم، سرمایه‌گذاری داخلی

مقدمه

مناطق پردازش صادرات^۱ به عنوان برداشتی جدیدتر از مناطق آزاد، یک مکان جغرافیایی برون بوم^۲ به نسبت کوچک در داخل یک کشور است که هدف از ایجاد آن، جذب صنایع صادرات‌گرا با ارائه شرایط مطلوب برای تجارت و سرمایه‌گذاری است. در مورد EPZها تعاریف گوناگونی وجود دارد؛ اما وجه مشترک تمام تعاریف این است که این مناطق اغلب در نزدیک بنادر بین‌المللی یا فرودگاهها بنا می‌شوند، واردات مواد خام، تولیدات واسطه‌ای، تجهیزات و ماشین‌آلات برای تولیدات صادراتی مشمول حقوق گمرکی نیست و در آنجا بنگاههای خارجی تولیدکننده کالاهای صنعتی، از شمار زیادی از انگیزه‌های مالی بهره می‌برند و این نواحی صنعتی، اغلب در محدوده ده تا سیصد هکتاری محصور شده و در آن، برای بنگاهها شرایط مناسب و آزاد کسب و کار فراهم شده است. از دهه ۱۹۵۰، EPZها بطور فزاینده‌ای، هم در کشورهای توسعه‌یافته و هم در کشورهای در حال توسعه، به مثابه ابزاری برای بهبود سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی^۳ صادرات‌گرا ایجاد شده‌اند؛ در حقیقت، اغلب برندگان جذب FDI، حداقل یک EPZ (اغلب بیش از یک منطقه) برای ایجاد صنایع صادراتی ایجاد کرده‌اند که در بین کشورهای در حال توسعه، بیشتر این مناطق در آسیا واقع شده‌اند.^۴ اهداف اولیه از ایجاد منطقه آزاد بدین شرح است: ۱. ایجاد درآمد ارزی به وسیله بهبود صادرات کالاهای غیرسنتی؛ ۲. اشتغال‌زایی برای کم‌نمودن بیکاری یا مشکلات ناشی از بیکاری در کشور و درآمدزایی و ۳. جذب FDI و انتقال تکنولوژی، انتشار دانش و اثرات

^۱. Export Processing Zones (EPZ)

^۲. (Enclave) در سراسر این نوشتار به برون بوم ترجمه شده است و منظور از آن، ناحیه‌ای از کشور در حال توسعه است که از نظر شرایط، نظیر قوانین و مقررات صادرات و واردات، مالی و پولی، زیربنایها و... از مابقی اقتصاد کشور متمایز باشد.

^۳. Foreign Direct Investment(FDI)

^۴. ILO/UNCTAD. *Economic and Social Effects of Multinational Enterprises in Export Processing Zone*, (Switzerland: Geneva, UNCTAD,1988) ch. 1, Word Bank, Export Processing Zone, Industry and Development Division (Washington D.C., The World Bank,1992), p. 1.

- UNCTAD, World Investment Report 2002: Transnational Corporations and Export Competitiveness,(New York and Geneva, United Nations, 2002), p. 214.

تظاهری^۱ که این موارد به مانند کاتالیزوری برای بنگاههای داخلی درگیر در تولید کالاهای غیرسنتی عمل می‌کند.

در مناطق آزاد، بطور نامحدود واردات مواد خام، داده‌های واسطه‌ای و کالاهای سرمایه‌ای به صورت معاف از حقوق گمرکی برای تولیدات صادراتی مهیا بوده و تشریفات زائد دولتی کمتر و انعطاف‌پذیری قوانین کار برای بنگاهها در مناطق، نسبت به بازار داخلی بیشتر است. از سوی کشور میزبان، به بنگاههای EPZها، بخشودگی و معافیت مالیاتی^۲ و امتیاز اعطا می‌شود و در این مناطق، خدمات ارتباطی و سایر زیرساختها، مطلوب‌تر از حد متوسط مابقی اقتصاد میزبان، موجود است. از نظر مالکیت، بنگاههای این مناطق، می‌توانند داخلی، بین‌المللی یا به صورت سرمایه‌گذاری مشترک باشند.^۳

نکته اساسی که از بعد نظری و تجربیات کشورها می‌توان دریافت، نقش برجسته FDI در فعالیتهای EPZهاست؛ به عبارتی، تمام اهداف مورد انتظار از مناطق، شامل ایجاد درآمد ارزی و بهبود صادرات- که منجر به نام‌گذاری مناطق آزاد به عنوان مناطق پردازش صادرات شده- در گروی جذب FDI است و بدون جذب آن یا جذب کم آن، این اهداف به نحو شایسته تحقق نمی‌پذیرند. از اینرو، در این مقاله کوشش شده تا بر اساس ادبیات و نظریات مربوط به EPZ و FDI، جذب FDI به مناطق ایران برآورد شود و از ماحصل آن و با کمک نظریات راجع به تعیین‌کننده‌های FDI، ضمن در نظر گرفتن مسائل خاصی که ایران مبتلا به آن است، به کنکاش در مورد عوامل جذب FDI به EPZهای ایران پرداخته شود.

عوامل جذب FDI و رابطه آن با مناطق پردازش صادرات

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، فرآیندی است که به وسیله آن، یک کشور(کشور مبدأ)، مالکیت داراییها را در یک کشور دیگر(کشور میزبان) با هدف کنترل تولید، توزیع و دیگر فعالیتهای بدست می‌آورد. FDI به مثابه درگیری با سرمایه‌گذاری بلندمدت و

¹. Demonstration

². Tax holiday

³. Dorsati Madani, "A Review of the Role and Impact of Export Processing Zones", *The World Bank*, (1999), p. 5.

منعکس کننده مناسبات بلندمدت^۱ و کنترل یک نهاد اقتصادی در کشور میزبان است. عبارت "بلندمدت" نشان دهنده تمایز FDI از سایر سرمایه‌گذاریها نظیر سرمایه‌گذاری پرتفلیو می‌باشد؛ به نحوی که سرمایه‌گذاری پرتفلیو، بازگوکننده نگهداری اوراق بهاداری همچون سهام خارجی، اوراق قرضه و داراییهای مالی است که هیچ کدام از آنها موجب نمی‌شود که دارنده اوراق، بر بنگاه صادرکننده اوراق تسلط مدیریتی داشته باشد. سرمایه‌گذاری پرتفلیو کوتاه‌مدت بوده و عبارت "کوتاه‌مدت" نشان دهنده آن است که سرمایه‌گذاری پرتفلیو به طور چشمگیر و به دفعات زیاد دست‌بدست می‌شود. آنچه که در تعاریف مربوط به FDI شبیه به یکدیگر است، کنترل و نفع ناشی از کنترل است که بازگوکننده اهمیت بیشتر FDI از سرمایه‌گذاری پرتفلیو است؛ در حالیکه سرمایه‌گذاری پرتفلیو خواستار کنترل مدیریتی بر بنگاه یا مناسبات بلندمدت نیست. مناسبات بلندمدت بیانگر ارتباط بلندمدت^۲ بین سرمایه‌گذار مستقیم و شرکت سرمایه‌گذار مستقیم است که این امر، درجه قابل ملاحظه‌ای از نفوذ و تأثیرگذاری در مدیریت بنگاه را تحقق می‌بخشد.

در مورد تعریف FDI، طبق نظر IMF^۳، تصاحب ۱۰٪ یا بیشتر سرمایه یک شرکت، به مثابه سرمایه‌گذاری مستقیم است. این رهنمود، یک قاعده بی بر و برگرد نیست و چه بسا ممکن است دارنده سهام کمتر از ۱۰٪، کنترل اصلی را در بهره‌برداری از یک شرکت داشته باشد؛ در حالیکه ممکن است دارنده سهام بیشتر از ۱۰٪، کنترل بارزی بر مدیریت بنگاه نداشته باشد؛ اما IMF پیشنهاد می‌کند که از این درصد، به مثابه تمایز بین سرمایه‌گذاری مستقیم و سرمایه‌گذاری پرتفلیو در نظر گرفته شود.^۴

^۱. Lasting Interest

^۲. Long-Term Relationship

^۳. در واقع، تعریف صندوق بین‌المللی پول، تعریف مشترک این نهاد و سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (OECD) است که آنکتاد نیز از این تعریف پیروی می‌نماید.

^۴. Maitena Duce, "Definitions of Foreign Direct Investment (FDI): A Methodological Note", 2003, pp. 1-7.

- Imad Moosa, *Foreign Direct Investment: Theory, Evidence and Practice*, (New York, Palgrave, 2002), p. 1.

- UNCTAD; World Investment Report 1999: Foreign Direct Investment and the Challenge of Development, (New York and Geneva, United Nations, 1999), p. 316-7.

- IMF, Balance of Payment Manual (Washington, D.C, IMF, , Last Updated: January 2006), pp.72-7.

- OECD, Benchmark Definition of Foreign Direct Investment, (Paris, OECD, 1999), pp.7-11.

عوامل گوناگونی بر جذب FDI موثر است؛ اما با مذاقه بر ماهیت این عوامل، می‌توان این عوامل را به صورت خلاصه‌تری طبقه‌بندی نمود؛ بطوریکه پارادایم رایج این است که هنگامی که این مجموعه از عوامل تعیین‌کننده وجود داشته باشد، انجام FDI صورت می‌پذیرد: ۱. حضور مزیت‌های ناشی از مالکیت در شرکتهای چندملیتی ۲. حضور مزیت‌های مکانی در کشور میزبان و ۳. حضور منافع بارز تجاری در درون بنگاه، در مقابل یک ارتباط جداگانه^۲ بین سرمایه‌گذار و دریافت‌کننده FDI.

مورد اول بیان می‌دارد که مزیت‌های ویژه مالکیت (مثلاً فناوری اختصاصی) یک بنگاه، اگر به صورت بهینه بهره‌برداری شود، می‌تواند هزینه اضافی برپایی ساز و کار تولید در یک محیط خارجی را جبران نماید و بر عدم مزیت‌های بنگاه غلبه نماید. مورد دوم می‌گوید که مزیت‌های ویژه مکان بنگاه، باید با مزیت‌های مکانی کشور میزبان ترکیب شود (مثلاً بازار بزرگ یا هزینه‌های پایین‌تر منابع و یا زیرساخت‌های مطلوب) و در نهایت بنابر جزء سوم پارادایم مطروحه، بنگاه، منافع بزرگتری را در بهره‌برداری از مزیت‌های مالکیت و مکان، به وسیله درونی‌سازی کسب می‌نمایند؛ برای مثال از طریق FDI به جای معاملات مستقل؛ که این حالت امکان دارد به چندین دلیل صورت گیرد: برای نمونه، بازارهای داراییها و نهاده‌های تولید (فناوری، دانش یا مدیریت) ممکن است غیرکامل باشند و یا اینکه اصلاً وجود نداشته باشند، و یا اینکه با هزینه‌های معاملاتی چشمگیر و با وقفه زمانی درگیر باشند. در حالیکه شرایط اول و سوم، تعیین‌کننده ویژه بنگاهها برای FDI می‌باشد؛ شرط دوم ویژه مکان بوده و تأثیر بسزایی بر جریان FDI به یک کشور دارد.^۳ در ادامه اقداماتی که کشور میزبان برای جذب FDI انجام می‌دهد آورده شده است. این اقدامات، ویژگی مکانی کشور میزبان را ایجاد

۱. این مورد، نسبت به سایر موارد، دارای پیچیدگی بیشتری است که توضیح مختصری از آن در سطور بعدی مقاله آمده است؛ منشأ این مطلب، نظریات کوز در مورد ماهیت بنگاه است که به موضوع درونی کردن هزینه‌ها توسط بنگاه می‌پردازد؛ به هر حال، مزیت مکانی در این مقاله، محور اصلی بحث را در بر می‌گیرد و عدم پرداختن به سایر موارد، لطمه‌ای به بحث علمی مقاله وارد نمی‌آورد.

۲. Arm's- Length Relationship

۳. J. H. Dunning, *Multinational Enterprises and the Global Economy*, (Wokingham: Addison-Wesley, 1993), & UNCTAD, *World Investment Report 1998: Trends and Determinants* (New York and Geneva, United Nations, 1998), pp. 88-9.

کرده، و از آن جهت که در زمره تعیین‌کننده‌های جذب FDI لحاظ می‌شوند، بر جذب FDI مؤثر هستند.

آزادسازی به عنوان پیش‌شرط ورود FDI

در شکل (۱)، فرآیند آزادسازی را ملاحظه می‌کنید. این شکل دارای دو قسمت انحرافات و استانداردها و رفتارها است، ضمن اینکه این دو قسمت، بی‌ارتباط با یکدیگر نیستند.

شکل ۱. فرآیند سیاست آزادسازی FDI

انحرافات بازار		استانداردها و رفتار	
محدودیتها:	کاهش	انگیزه‌ها:	ایجاد
• ورود و برپائی	↓	• مزیت‌های مالیاتی	• رفتار ملی
• مالکیت و کنترل		• انگیزه‌های مالی	• توسل به منابع ملی
• محدودیت‌های بهره‌برداری		• سایر	• برای حل منازعات سرمایه‌گذاری
• نظارت و گزارش			• رفتار درست و منصفانه
			• انتقال وجوه
			• شفافیت

Source: UNCTAD; WIR;1998; p. 94, Box IV.2

سمت چپ شکل بیانگر آن است که با آزادسازی، انحرافات موجود در محیط کسب و کار کاهش می‌یابد. از این لحاظ با کاهش انحرافات بازار، محدودیت‌های موجود بر سر راه بنگاه خارجی برای سرمایه‌گذاری کاهش می‌یابد. اهمیت تسهیل ورود FDI به مثابه یک تعیین‌کننده، از این حقیقت نشأت می‌گیرد که FDI نمی‌تواند انجام شود؛ مگر اینکه به آن اجازه داده شود تا به یک کشور وارد شود. بطور کلی و اساساً، تمام کشورها راضی به FDI هستند؛ اما از طرف دیگر، هیچ کشوری نیست که تمام مجوزها برای ورود FDI به هر

فعالیتی را بدهد. به عبارتی، بسیاری از کشورها، حتی کشورهای توسعه‌یافته نیز کنترل و بهره‌برداری برخی از بخشها را به خارجیان و یا حتی بخش خصوصی داخلی اهدا نمی‌کنند؛ بخصوص اگر این بخشها با مسائل فرهنگی و یا امنیتی مرتبط باشند. گرچه تعداد فعالیتهایی که انجام FDI در آنها ممنوع هستند، بطور بارزی در حال کاهش است؛ بویژه در بخش تولید کارخانه‌ای و به صورت فزاینده‌ای در بخش منابع طبیعی و خدمات^۱ که این تحولات نشان‌دهنده کاهش موانع بر سر راه برپایی عملیات کسب و کار توسط بنگاههای خارجی است. آنچه که از این بابت مربوط به مناطق می‌شود، این است که مناطق آزاد برای جذب FDI ایجاد شده‌اند و جذب بنگاههای خارجی پیش‌شرط تحقق اهداف مناطق بوده و بدیهی است که آزادسازی در غالب کاهش محدودیتها (بخش چپ شکل ۱) از این لحاظ اهمیت دارد. از نظر انتقال وجوه و اصل سرمایه، در تمام قوانین چگونگی اداره مناطق آزاد؛ از جمله ایران، این تسهیلات به خارجیان اهدا می‌شود و این اتفاق را می‌توان به عنوان کاهش محدودیتها و ایجاد رفتارها و استانداردها تفسیر کرد. وجود مزیتها و انگیزه‌های مالیاتی و مالی در مناطق آزاد بسیار است؛ زیرا کشورهای دارنده مناطق آزاد، این مشوقها را برای جذب FDI، بویژه از نوع منبع‌جو، در مراحل اولیه جذب FDI و منتفع شدن از آن بکار می‌گیرند. با این وجود، باید توجه کرد که یک EPZ، نخستین سیاست بهینه برای انتخاب نیست. به همین دلیل در راستای آزادسازی، انگیزه‌هایی که له یا علیه بنگاه خارجی است (به عبارتی تبعیض به نفع بنگاه خارجی یا ضرر آن) کاهش می‌یابد که مهمترین دلیل آن، کاهش انحرافات محیط کسب و کار از طریق علامت‌دهی درست سیستم بازار است. این اتفاق نیز به نوبه خود موجب ایجاد و افزایش رفتار درست، منصفانه و ملی و هرچه شفاف‌تر نمودن محیط کسب و کار می‌باشد.

پس از گذشت چندی از ایجاد اینگونه مناطق و بلوغ صنایع داخلی، بهترین سیاست، آزادسازی سراسری اقتصاد است؛ از این‌رو EPZ ابزاری در جهت بهبود توسعه و رشد صادرات، برای کشورهای در حال توسعه محسوب می‌شود و تکیه صرف به این مناطق ارمغان کمی به

^۱. UNCTAD, World Investment Report 1998:Trends and Determinants(New York and Geneva, United Nations, 1998), pp. 92-8 & Box IV.2.

همراه دارد که نشان از کاربرد محدود آنها است.^۱ سایر ابزارهای سیاستی، ممکن است کاربردهای بیشتری برای یک کشور نسبت به EPZ داشته باشند؛ بنابراین مسیر اولیه برای بیان چرخه EPZها بدین گونه است: در نظر گرفتن EPZها برای تطبیع سرمایه‌گذاران خارجی و ایجاد سهولت برای رقابت بین‌المللی، انتقال صنایع به بازارهای جهانی و در نهایت تبدیل آن به یک جزء زائد به خاطر خلق ساختار صنعتی آزادانه^۲. مناطق پردازش صادرات، به خودی خود، هدف نیست؛ بلکه ابزاری ساده و در عین با اهمیت برای تسهیل گذار از یک اقتصاد مبتنی بر جایگزینی واردات به اقتصاد صادرات‌گرا تر می‌باشد. در واقع تکامل EPZ بازگوکننده سیاستهای توسعه‌ای و صنعتی‌شدن و بسان مفهوم فردریک، لیستی از طریق موانع تعرفه‌ای برای حمایت از صنایع نوزاد تقلی می‌شود^۳ که در بخش مقدمه مقاله، به عنوان نقش کاتالیزوری EPZها بیان شده است. بنابراین اینگونه می‌توان تعبیر کرد که EPZها نیز با توجه به اینکه بخشی از کل محدوده یک کشور محسوب می‌شوند، با استفاده از جذب سرمایه خارجی و به تبع آن، دانش فنی و انتقال آن به کشور میزبان، این کشورها را به تدریج به سمت سیاست توسعه صادرات سوق می‌دهند و برای رقابت در سطح جهان آماده می‌کنند.

اقدامات پس از سیاستهای آزادسازی FDI

مسیر توسعه سرمایه‌گذاری دارای مراحل است که در مرحله‌های اول و دوم، کشورهای در حال توسعه سعی در دریافت FDI می‌کنند. در طی مرحله نخست، مزیت مکانی

^۱. بانک جهانی نیز از همان ابتدا با اینکه مبلغ و طرفدار ایجاد EPZها بوده، محدودیتهای این ابزار را نیز ذکر کرده است. در حال حاضر نیز نهادهایی با ارائه انگیزه در غالب یارانه به سرمایه‌گذاری خارجی در جهت تشویق صادرات مخالفند که می‌توان به موضوع TRIMS در گات اشاره کرد.

^۲. موضوع محور مناطق پردازش صادرات به علت آزادسازی هرچه بیشتر در مورد کشور کره کاملاً به چشم می‌خورد. در مورد کشور چین نیز ارائه انگیزه‌ها در حال گسترش از استانهای ساحلی جنوبی به سمت استانهای داخلی این کشور است.

^۳. Dorsati Madani, "A Review of the Role and Impact of Export Processing Zones", 1999, p.7 & Andrew Schrank, "Export Processing Zones: Free Market Island or Bridges to Structural Transformation?", *Development Policy Review*, Vol. 19, No 2. (June 2001), p. 224.

- ILO / UNCTAD, *Economic and Social Effects of Multinational Enterprises in Export Processing Zone*, (Switzerland: Geneva, UNCTAD, 1988), p. 155.

کشورهای در حال توسعه برای جذب FDI ناکافی است؛ به استثنای اینکه ممکن است کشور در حال توسعه مالک داراییهای طبیعی باشد. نابسندگی این کشورها در انواع داراییها ممکن است بازگوکننده بازارهای داخلی محدود باشد (سطوح تقاضا به علت درآمدهای پایین کمینه است) و یا اینکه می‌تواند معلول ساز و کار نامناسب اقتصادی یا سیاستهای دولت باشد. زیرساختهای ناکافی از قبیل تسهیلات حمل و نقل و ارتباطات و از همه مهمتر فقدان نیروی کار ماهر و آموزش دیده، مزید بر علت است. در مرحله دوم، جریان جذب FDI افزایش یافته و رشد صعودی دارد. در این مرحله دولت می‌تواند یک دوره مثبت^۱ از انباشت داراییها را ایجاد کند^۲ و مزیت مالکیت به دلیل گسترش حمایت از خوشه‌های صنعتی پیرامون صنایع اولیه نیز به وجود می‌آید؛ تولید به سمت کالاهای مصرفی نیمه‌حرفه‌ای و به نسبت دانش‌گرا سوق می‌یابد.^۳ عوامل فشاری^۴، نظیر یارانه‌های صادراتی و توسعه فناوری، مزیت درونی شدن بنگاههای خارجی را متأثر می‌سازد و همچنین مزیت مکانی کشور نیز از هزینه‌نسیبی پایین تولید، تأثیر می‌پذیرد. در این مرحله است که دولت بایستی زیرساختها را برای EPZها ایجاد نماید و با سیاستهای مناسب اقتصادی و چشم‌انداز خوب موجب ایجاد بازارهای مالی در مناطق شود تا محیط کسب و کار عمومی برای سرمایه‌گذاران داخلی جهت حضور در مناطق و تقویت سرمایه‌گذاران خارجی نویدبخش باشد.

دولت برای جذب سرمایه خارجی، ابتدا سرمایه‌گذاری را آزاد می‌کند و برای جذب سرمایه خارجی انگیزه‌ها را قوی می‌سازد. بنابراین اگر به دلیل جلوگیری از انحراف بازار، به نفع سرمایه‌گذاران خارجی تبعیضی وجود ندارد، حداقل بایستی یک رفتار برابر با سرمایه‌گذاران داخلی و سایر سرمایه‌گذاران وجود داشته باشد.

^۱. Virtuous Circle

^۲. این موضوع می‌تواند مثلاً بر اساس نظریه فشار همه جانبه رودان- روزنشتاین صورت گیرد؛ همچنین بارو و سالایی مارتین (۲۰۰۴) بحث می‌کنند که چگونه سیاستهای دولت موجب رهایی از تله فقر می‌شوند. طبق نظر آنها با سرمایه‌گذاری دولت و سیاستهای مناسب می‌توان به سطح سرمایه بالاتری در مسیر رشد متوازن رسید.

^۳. مهدی رضائی و شهرام وصفی (۱۳۸۸) در مورد ایران بیان کرده‌اند که جذب سرمایه خارجی در کدام صنایع از طریق پیوندها موجب بیشینه‌شدن منافع حاصل از جذب FDI؛ سرریز فناوری.

^۴. Push Factor- (عواملی است که باعث می‌شود بنگاه‌ها از جای دیگر به کشور میزبان وارد شوند).

الف) قبل از برپایی مناطق آزاد

- تصمیم‌گیری در مورد انتخاب باز یا بسته بودن محیط، جاذبه اصلی مکان بسته و محصور تولید، این است که فراهم کردن تسهیلات، زیربنایها و خدمات اداری آسان‌تر است. اگر EPZها در پیرامون کشور فعالیت کنند، فراهم نمودن تسهیلات، زیربنایهای حمل‌ونقل و ارتباطات برای دولت کشور در حال توسعه کم درآمد، هزینه زیادی در بردارد؛ همینطور هزینه‌های اجرایی خدمات گمرکی و نظارت بر واردات و صادرات بنگاهها در این حالت نیز بیشتر می‌شود. با این حال، مناطق محصور، یک ایراد اساسی دارند: تأثیر آن به منطقه‌ای که بلافاصله با آن ارتباط دارد؛ یعنی جایی که در آن مستقر است، محدود می‌شود. این محدودیت مکانی، فرصتها را برای سرریز دانش و فناوری کاهش می‌دهد و سهم آن را در رشد اقتصادی کم می‌کند.

- مکان و زیر بنا: در ابتدا فرض بر این بود که EPZها محورهایی برای توسعه صنعتی غیرمتمرکز و غیرشهری هستند. قصد مسئولان کشورها از قراردادن EPZها به دور از مراکز جمعیتی، به خاطر تشویق اشتغالزایی و توسعه اقتصادی در مکانهای روستایی و کاهش مهاجرت روستاییان به شهرها بوده است. به زودی مشخص شد که EPZها در چنین محلهایی رشد نمی‌کنند؛ مگر آنکه به راحتی به بندر دریایی، فرودگاه، منابع آب و انرژی مناسب بالاتر از حد متوسط (نسبت به استاندارد کشور)، تسهیلات ارتباطی و کارگران ماهر در دسترس، دست بیابند.

- دسترسی به بازار منطقه و بین‌المللی: مشخصات جغرافیایی کشور، یکی از ویژگیهای جذاب یک منطقه است. اگر کشوری محور اقتصادی یک منطقه باشد (نظیر خاورمیانه یا D8) و یا امضاکننده توافقنامه یکپارچگی منطقه‌ای باشد، اندازه بالقوه بزرگ بازار، ممکن است انگیزه‌ای مضاعف برای بنگاههایی که این بازار را از طریق سرمایه‌گذاری در مناطق هدف قرار داده‌اند، ایجاد نماید. کشورهای عضو توافقنامه‌های ترجیحی تجارت، برای مناطقیشان (EPZها) جذابیت بیشتری را ایجاد می‌نمایند؛ چرا که این توافقنامه‌ها دسترسی آزاد به بازار کشورهای توسعه یافته را فراهم می‌آورد. با انجام این کار، مناطق، بنگاهها را از کشورهایی که با محدودیت سهمیه و موانع تجارت مواجه هستند، جذب می‌کنند.

ب) بعد از برپایی مناطق

تمام نتایج مطلوب مورد انتظار از مناطق آزاد، با جذب FDI و استقرار شرکتهای فراملیتی و چندملیتی فراهم می‌شود. کشورهای در حال توسعه، انواع مختلفی از مجموعه انگیزه‌ها را برای جذب شرکتهای چند ملیتی از کشورهای توسعه یافته و یا با درآمد متوسط بکار می‌برند. این انگیزه‌ها اغلب به انگیزه‌های سخت و نرم تقسیم می‌شوند: انگیزه‌های سخت، شامل فراهم نمودن زیربنای فیزیکی و خدمات ضروری برای تولید؛ راهها، عرضه انرژی، تسهیلات حمل و نقل و از این دست هستند. انگیزه‌های نرم، شامل مزیت‌های مالیاتی و امتیازات خاص تجاری می‌باشند.^۱ عمق و گستردگی مقررات انگیزشی در میان کشورها، مختلف است؛ گرچه ممکن است که مشوقها به اندازه زیادی طرفدار کسب و کار بازار باشند، مانند معافیت‌های دائم مالیاتی و گمرکی و ارائه یارانه؛ اما برای تعیین چارچوب این مشوقها دو اصل را باید در نظر داشت: الف) وجود EPZها و انگیزه‌های مربوط به آن، بسان قدم‌های ناپایداری به سمت آزادسازی احتمالی اقتصاد است؛ اقدامی (آزادسازی) که قرار است تمامی اقتصاد از آن منفعت ببرد. ب) نکته بسیار مهم آنکه تقریباً اگر یک سیاست برای تمامی اقتصاد خوب باشد، برای EPZها نیز خوب می‌باشد و یا دلیلی ندارد که به EPZها صدمه بزند.

- ثبات همه‌جانبه و فضای سیاسی و اقتصادی دوستدار دادوستد و FDI، اولین قدم لازم و بلند برای موفقیت EPZها است. در کنار انگیزه‌های اولیه، این ثبات شامل ثبات و یکنواختی سیاستهای اقتصاد کلان (پولی و مالی) و نرخ ارز است. جایی که این سیاستها از اصول اولیه منحرف شده‌اند، عملکرد EPZها نیز دچار مشکل شده است. هنگامی که سیاستهای پولی و مالی بی‌نقص و با ثبات و، قوانین سرمایه‌گذاری و مالکیت خصوصی واضح باشد، و بنگاهها از بابت اینکه درآمدهای خود را با همان نرخهای بازاری به میهن خود باز گردانند مختار بوده و محدودیت ارزی وجود نداشته باشد، یک منطقه پردازش صادرات به

^۱. Takayoshi Kusago, & Zafiris Tzannatos, "Export Processing Zones: A Review in Need of Update", *Social Protection Discussion Paper*, No. 9802, (January 1998), p. 6.

احتمال زیاد موفق خواهد بود. محدودیت یا نرخ چندگانه ارز، موجب تحریف انگیزه‌ها و تخصیص نادرست منابع در اقتصاد می‌شود.^۱

- کشورهای در حال توسعه، برای جذب سرمایه‌گذاران خارجی، انواع مختلفی از معافیت‌های وسیع مالیاتی را ارائه می‌کنند و حتی در اینباره به رقابت با یکدیگر نیز می‌پردازند. گروهی از طرفداران این معافیت‌های وسیع، عقیده دارند که زیان مالیاتی بالقوه، به دلیل منافع حاصله از اشتغالزایی و کسب درآمد ارزی، مهم نیست. گروهی دیگر از طرفداران، اینگونه بیان می‌کنند که نباید به سود مالیاتی وابسته شویم، زیرا اغلب بنگاه‌های EPZها، می‌توانند مالیات کمتری در سایر کشورها پرداخت کنند. آن بنگاه‌ها بطور مشخص از مکانیسم قیمت‌گذاری انتقال که اغلب در دسترس برای بنگاه‌های صادراتی است، برای جابجایی سود از حوزه قانونی دارای مالیات بالا استفاده می‌کنند؛ اما بعضی از نظریات، دیدگاه بالا را تضعیف می‌کند: نخست، هزینه‌های EPZها، شامل سرمایه‌گذاری بسیار برای انجام فعالیتهای تولیدی دولتی (حالت EPZ ملی)، زیرساخت‌های حمل‌ونقل، تسهیلات و امکانات ارتباطی و پشتیبانی مدیریتی مناطق آزاد می‌شود؛ بنابراین بایستی از درآمدهای مالیاتی برای جبران بخشی از این هزینه‌ها یاری جست. ضمن اینکه تعرفه و دیگر مالیات‌های غیرمستقیم، منابع مالیاتی مهمی برای دولتهای بعضی از کشورهای در حال توسعه هستند؛ در کشورهای در حال توسعه‌ای که جمع‌آوری مالیات مستقیم (مالیات بر درآمد) بطور مشهود به دلیل ضعف قانونی در آنها پایین است، در نتیجه چنین درآمدهایی برای کشورهای در حال توسعه مهم می‌باشد. دوم اینکه، تأثیر عملی کاهش نرخ مالیات، به قوانین مالیاتی کشور مادر بستگی دارد. مسئولین مالیاتی در اغلب مواقع، مالیات‌هایی که بنگاه‌ها در خارج از کشور مادر می‌پردازند، در نظر می‌گیرند و در محاسبات وارد می‌کنند، در نتیجه کاهش نرخ مالیات به پایین‌تر از نرخ کشور مادر، انگیزه‌ای برای بنگاه به حساب نمی‌آید و فقط بازگوکننده جابجایی پول از خزانه کشور میزبان به خزانه کشور مادر است.

^۱. R. Alter, "Lessons from the Export Processing Zone in Mauritius", Finance and Development, Vol. 28, No. 4, (1991), p. 8, World Bank, "Export processing zones", PREM notes, Economic Policy, No. 11, (December, 1998): p. 3.
- Dorsati Madani, "A Review of the Role and Impact of Export Processing Zones", *The World Bank*, (1999), p. 80.

مالیات از مناطق باید پایین باشد و نیازی به انگیزه‌های بسیار زیاد مالیاتی نیست (نظیر معافیت مالیاتی یا چشم‌پوشی از همه مالیاتها). مالیات‌ستانی غیرمستقیم و صدور پروانه باید عقلایی و کمینه شود؛ مگر اینکه بنگاههای داخلی، از چنین امتیازات مالیاتی به بنگاههای EPZ که در واقع تبعیضی بر علیه آنها محسوب می‌شود، سود ببرند. این رفتارها بخصوص، مانند مانعی در جهت اتصال با اقتصاد میزبان عمل می‌کند؛ بویژه اگر بنگاههای داخلی از این سیاستها نفعی نبرند، واردات معاف از مالیات نهاده‌ها برای بنگاههای مناطق، بسان سوپسید رقابتی واردات علیه تولیدکنندگان نهاده‌های داخلی عمل می‌کند و از خلق پیوندهای پسین جلوگیری می‌نماید؛ زیرا که دیگر بنگاههای خارجی نیازی به بنگاههای داخلی برای تأمین مواد اولیه و واسطه‌ای خود ندارند. ضعف پیوندهای پسین و پیشین بین بنگاههای مناطق و داخلی، تمام اهداف مورد انتظار از ایجاد اینگونه مناطق را به یاس تبدیل می‌کنند.^۱

- در مورد تسهیلات زیربنایی مناطق و ارائه کمکهای مالی (یارانه)، بانک جهانی، توسعه و مدیریت خصوصی رو بناهای EPZ ها از قبیل سنگفرش خیابانها و رویه سازی و... را توصیه می‌کند. اما تدارک دولتی زیربنای منطقه، به واسطه تسهیل حمل‌ونقل و ارتباطات (تلفن، راهها، بندرها و فرودگاهها) می‌تواند موجب سرریز مثبت برای منطقه و اقتصاد محلی و ملی شود. با این ملاحظه، اگر توسعه خصوصی رو بناها برای مناطق در دسترس نبود، نقش نهاد عمومی، یک انتخاب اقتصادی عقلایی است. از طرفی، کمک مالی (یارانه)، مشوق مصرف بیش از حد و مانعی در جهت استفاده عقلایی منابع و عوامل تولید محسوب می‌شود و چنین یارانه‌هایی، منافع مناطق را کاهش می‌دهد.

- پایین بودن هزینه کارگر یکی از مشوقهای مهم جذب سرمایه‌گذاران خارجی: بخصوص FDI صادرات‌گرا است؛ اما نباید این موضوع را به معنای بی‌اعتنایی یا بد به کار بردن

¹. World Bank, "Export Processing zones", *PREM Notes, Economic Policy*, No. 11, (December, 1998), p. 3.

- Dorsati Madani, "A Review of the Role and Impact of Export Processing Zones", World Bank, 1999, pp. 27-8.

- World Bank, *Export Processing Zone*, (Washington D. C., The World Bank, 1992), p. 19.

- H. Easterly, "How Much do Distortions Affect Growth?", *Journal of Monetary Economics*, Vol. 32, No. 2, 1993, pp. 185-212.

- Helena Johanson, "The Economics of Export Processing Zones Revisited", *Development Policy Review*, Vol. 12, (1994), p. 399.

مسائل تأمینی کارگران و حقوق کار تعبیر کرد (مثلاً اتحادیه، چانه‌زنی کارگران، زمان‌بندی و یا پرداخت اضافه کار)؛ در حقیقت، تقویت برخی از حوزه‌های قانونی و اجرایی، علاقه کارگران و بهره‌وری آنان را افزایش و دلواپسی و غیبت آنان را کاهش می‌دهد.

- دولت و ملزومات نهادی: دولت می‌تواند سیاست دخالت و یا عدم‌دخالت را انتخاب کند. در یک حد، می‌توان رهیافت دخالت را به مجموع کنترل آغاز کار، برپایی و مدیریت EPZها تفسیر کرد؛ مخالفان EPZهای دولتی می‌گویند که منطقه دولتی، موجب عدم کارایی، عدم دل‌بستگی صاحبان بنگاهها، ایجاد تشریفات زاید، بی‌اطمینانی در مورد آینده پیش روی بنگاهها و فساد می‌شود که مانعی است در برابر موفقیت مناطق به حساب می‌آیند. آنان بر لزوم رقابت و کارایی اقتصادی متمرکز می‌شوند که این کار فقط می‌تواند از نهادهای بیشینه‌کننده سود برآید. نهادهای خصوصی انعطاف‌پذیرترند و آمادگی بهتری برای وفق با دگرگونی بازار دارند. آنان می‌گویند که در یک سیستم مبتنی بر مناطق آزاد، دولت نباید با بخش خصوصی رقابت کند؛ بلکه باید مکمل و یا بهبوددهنده باشد؛ اما با این حال، همگان اعتقاد دارند اعم از اینکه مناطق عمومی (دولتی) و یا خصوصی باشند، دولت کلید موفقیت EPZها هستند. بهبود کارایی دیوان‌سالاری و خدمات اقتصادی، ایجاد قانون شفاف و آشکار و ساختار نظم‌دهنده، چارچوب سیاستی با ثبات و رفتار اقتصادی بدون تبعیض با فعالان اقتصادی، صحنه را برای موفقیت مناطق آماده می‌کند.

- به غیر از تأثیر نحوه چگونگی مدیریت EPZها در سرنوشت عملکرد آنها، اختلاف اندازه بازار داخلی (ملی) نیز اهمیت دارد؛ جایی که سرنوشت اصلاحات آنجا مشخص می‌شود؛ نه در EPZها که انگیزه و اثر سرمایه‌گذاری از آنجا سر چشمه می‌گیرد؛ بلکه در جامعه. EPZها برای بلوغ صنایع نوزاد کشور میزبان بوجود آمده‌اند؛ ولی به علت نتایج حاصل از صنعتی‌شدن از طریق جایگزینی واردات، بعید است که صنایع "نوزاد پیر" کشور میزبان بتوانند به EPZ وارد و در بازارهای جهانی صادرات نیز داشته باشند.¹

¹. Ann E. Harrison, "An Empirical Test of the Infant Industry Argument: Comment", *American Economic Review*, Vol. 84, Issue 4 (September, 1994), p.1094.

برآورد الگوی جذب FDI

برای تخمین مدل‌های این مقاله، از روش پانل دیتا در اقتصادسنجی استفاده شده است. پانل دیتا، مجموعه داده‌هایی شامل ترکیبی از سری‌های زمانی و داده‌های مقطعی هستند. در مقاله نیز، داده‌های سری‌زمانی هر یک از مناطق آزاد ایران، با یکدیگر ترکیب شده است؛ بدین نحو که مناطق آزاد تجاری-صنعتی ایران، مقاطع را تشکیل می‌دهد و دوره زمانی بکار رفته، بر اساس آخرین اطلاعات موجود، دوره زمانی ۸۳-۱۳۷۲ است. چارچوب پایه برای این بحث، یک مدل رگرسیونی به شرح زیر است:

$$y_{it} = x'_{it}\beta + z'_i\alpha + \varepsilon_{it}$$

که k رگرسور در X_{it} وجود دارد و جمله ثابتی ندارد. ناهمگنی^۱ یا اثر فردی^۲، $z'_i\alpha$ است که Z_i شامل یک جمله ثابت و مجموعه‌ای از متغیرهای فردی یا مختص گروه^۳ است که امکان دارد بوضوح به چشم بخورد عبارتند از: نژاد، جنسیت، مکان و چنین چیزهایی؛ و می‌توانند غیرقابل مشاهده باشند؛ مانند مشخصات خاص خانوادگی، ناهمگنی افراد در مهارت یا ترجیحات و از این قبیل که تمام اینها طی زمان t ثابت در نظر گرفته می‌شوند. اگر Z_i برای تمام منفردها قابل مشاهده باشد، به سادگی می‌توان هر سری زمانی را جداگانه به وسیله حداقل مربعات برازش نمود. در حالتی که Z_i غیرقابل مشاهده باشد، بطور خلاصه بدین معناست که Z_i در بین مقاطع تصادفی رفتار می‌کند، اما برای هر مقطع در طول زمان ثابت است.

بر اساس آنچه گرین (۲۰۰۳) می‌گوید، اگر Z_i با X_{it} همبسته باشند، با یک مدل اثرات^۴ ثابت سروکار داریم و در غیر این صورت، با مدل اثرات تصادفی^۵. بنابراین عبارت ثابت که در اینجا بکار رفته، بیانگر این است که آن متغیر، در طی زمان تغییر نمی‌کند، نه اینکه آن

1. Heterogeneity
2. Individual Effect
3. Group Specific
4. Fixed Effect
5. Random Effect

غیراستکوستیک است؛ بلکه در بین منفردها یا مقاطع تغییر می‌کند، اما در طی زمان، برای هر مقطع یا منفردها ثابت می‌باشد.^۱

برای تخمین مدل، از مطالعه وینا دی آنچارز در مورد تحلیل جذب FDI به EPZ موريس بهره‌برداری شده است. با توجه به مطالعه مذکور، مدل پیشنهادی عبارت زیر است، ضمن در نظر گرفتن صرفه‌جویی در لحاظ کردن تعداد متغیرها، تنها متغیرهای در دسترس از مناطق آزاد ایران، بیش از این نیز نبوده است.

$$LrFDI_{it} = \beta_{1i} + \beta_2 Lrid_{it} + \beta_3 Lrrsw_t + \beta_4 Ldef_t + U_{it}$$

$$t = ۱۳۷۲ - ۸۳$$

i = کیش، قشم و چابهار

که در آن، $Lrrsw_t$: لگاریتم نرخ بهره واقعی سوئیس؛ $Ldef_t$: لگاریتم نرخ تورم ایران بر اساس تعدیل‌کننده GDP؛ و $Lrid_{it}$: لگاریتم سرمایه‌گذاری داخلی^۲ در هر یک از مناطق است که با CPI ایران تورمزدایی شده است و این متغیرها، متغیرهای مستقل مدل محسوب می‌شوند. $LrFDI_{it}$: لگاریتم FDI جذب شده به مناطق است که با CPI آمریکا تورمزدایی شده و متغیر وابسته مدل به حساب می‌آید.

نرخ بهره جهانی که در این مقاله نرخ بهره واقعی سوئیس نماینده‌ای از آن است، نمایانگر هزینه فرصت سرمایه است. سرمایه یک شرکت فراملیتی که FDI انجام می‌دهد، شامل حق صاحبان شرکت (درآمدهای احراز شده و موجودی دارایی) و بدهی (داراییهای قرض گرفته‌شده) است. هزینه فرصت درآمدهای احراز شده بنگاه، منعکس‌کننده درآمدی است که سهامداران موجود اگر آنچه را که بدست می‌آوردند خود سرمایه‌گذاری می‌کردند بدست می‌آوردند، می‌باشد و از منظر کسانی که سهام خریداری می‌نمایند، هزینه فرصت داراییهای

^۱. William H. Green, *Econometric Analysis*, (New Jersey, Pearson Education Inc, 2003), p. 285.

- Jack Johnston & John DiNardo, *Econometrics Methods*, (New York, McGraw-Hill, 1997), p. 390.

^۲. Domestic Capital Stock

ناشی از سهام جدید، بازگوکننده درآمدی است که سهامداران جدید، اگر آنها دارایی خود را جای دیگر سرمایه‌گذاری می‌کردند بدست می‌آوردند، است. محاسبه ارزش حال هر پروژه (NPV) تا اندازه‌ای به نرخ تنزیل بستگی دارد که برابر یا نزدیک به هزینه فرصت سرمایه است.^۱ از آنجا که تعداد پروژه‌های مورد سرمایه‌گذاری به ارزش حال آنها بستگی دارد، پس با افزایش هزینه، فرصت سرمایه‌گذاری، تعداد پروژه‌ها و در نتیجه سطح سرمایه‌گذاری کاهش می‌یابد؛ در مورد پروژه‌های FDI بدین نحو تفسیر می‌شود که در صورت افزایش نرخ بهره‌جهانی، برای صاحبان دارایی، اعم از خانوار و یا نهادها، سرمایه‌گذاری در سایر بدیلها نسبت به روشی که موجب انجام FDI می‌شود، سودمندتر است، بنابراین انتظار بر آن است که با افزایش نرخ بهره جهانی، افزایش FDI کاهش یابد.

در مورد مکانیسم اثرگذاری تورم بر جذب FDI، طبق نظریه مکانی، یکی از دلایلی که بنگاهها در کشورهای به خصوص و یا EPZهای کشور به خصوص اقدام به FDI نمایند، وجود منابع طبیعی و نیروی کار ارزان است. همچنین در مرحله سوم چرخه زندگی محصول، بنگاههای چندملیتی برای رقابت بین‌المللی، شعبات تولید خود را در EPZهای کشورهای در حال توسعه بنا می‌کنند تا از مزیت‌های هزینه‌ای کشور میزبان استفاده نمایند. هنگامی که کشوری با تورم بالا مواجه باشد، انتظار بر آن است که قیمت کالاهای خام و واسطه‌ای نیز گران‌تر شود. از طرفی تورم باعث افزایش دستمزدهای اسمی می‌شود. از آنجایی که بنگاههای خارجی مستقر در مناطق ایران با نرخ ارز ثابت مواجهند، با افزایش دستمزد اسمی، بخش بیشتری از درآمد ارزی ناشی از صادرات را باید به هزینه‌های دستمزد اختصاص دهند. همچنین بنگاهها مقداری از قدرت حقیقی پول خود را به‌صورت دست‌نخورده نگه می‌دارند تا نیازهای ناگهانی خود را مرتفع سازند؛ از آنجایی که به این پولها بهره‌ای تعلق نمی‌گیرد، نشان‌دهنده هزینه اضافی برای بنگاه است؛ بنابراین در صورت وجود تورم، بنگاهها برای ثابت نگه‌داشتن قدرت خرید این منابع، هزینه بیشتری را متحمل می‌شوند.

^۱. Imad Moosa, *Foreign Direct Investment: Theory, Evidence and Practice*, (New York, Palgrave, 2002), p.188.

اما مهمترین وجه اثر تورم بر پروژه‌های سرمایه‌گذاری، ایجاد عدم اطمینان است. پایین بودن نرخ تورم، باعث می‌شود که رویکرد تصمیم‌گیری در امر سرمایه‌گذاری، مبتنی بر تصمیمات بلندمدت باشد و مهمترین موضوع آنکه سرمایه‌گذاری در امر فناوری رخ می‌دهد. وجود تورم بالا و نوسانات آن موجب می‌شود که بنگاهها در پروژه‌هایی که نرخ عایدی بالایی دارند، اما در عین حال متضمن مخاطره می‌باشند، سرمایه‌گذاری نکنند.^۱ از این نظر، بنگاههای خارجی واقع در مناطق، برای پیش‌بینی قیمت‌های آینده، نیاز به صرف وقت و هزینه دارند، بنگاههای مستقر در EPZ برای بستن قراردادها با شرکتهای کشور میزبان - که متضمن پرداختهای آتی است - دچار نااطمینانی می‌شوند که بر اساس ادبیات اقتصاد خرد، در صورت وجود نااطمینانی، تولید و در نتیجه صادرات بنگاهها کاهش می‌یابد.

بنگاههای فراملیتی که مبادرت به سرمایه‌گذاری می‌نمایند، با مخاطره کشوری اعم از مخاطرات سیاسی، مالی و اقتصادی مواجهند. از منظر ریسک کشوری، این ریسک می‌تواند ناشی از عوامل ریسک سیاسی، ریسک اقتصادی و ریسک مالی باشد و تورم، در زمره مخاطره اقتصادی قرار می‌گیرد.^۲ نرخ پایین تورم، و ثبات نرخ ارز، تعیین‌کننده‌های مهم FDI هستند. ثبات نرخ ارز و تورم، نشان‌دهنده سه چیز است: الف) گواهی برای ثبات اقتصاد که متضمن توانایی اقتصاد است. ب) درجه‌ای از اطمینان به آینده اقتصاد را فراهم می‌کند و توانایی بنگاهها را برای خروج سودها و سهام‌های خود به میهنشان نوید می‌دهد. ج) در بسیاری از مواقع، یک محیط بی‌ثبات اقتصادی، بر محیط سیاسی بی‌ثبات دلالت دارد؛^۳ بنابراین هنگامی که دولتی به دلیل کسری بودجه مفرط، اقدام به انتشار پول می‌نماید، پاسخگوی عملکرد

^۱. Andrea Bassanini and Stefano Scarpetta, "The Driving Forces of Economic Growth: Panel Data Evidence for the OECD Countries", *OECD Economic Studies*, No. 33, (2001), pp. 16-17.

^۲. مهدی رضایی (۱۳۸۶). تاثیر حکمرانی خوب بر جذب FDI به ایران و چند کشور موفق در این زمینه را بررسی نموده است که نرخ تورم نیز به عنوان عاملی منتج از حکمرانی در آن آمده است.

^۳. V. N. Balasubramanyam, *Foreign Direct Investment in Developing Countries: Determinants and Impact*, (OECD, November 2001), pp. 2-3.

ضعیف EPZ ها نیز می‌باشد.^۱ پس انتظار می‌رود که جذب FDI به مناطق ایران، با نرخ تورم، رابطه منفی داشته باشد.

در مورد تأثیر سرمایه‌گذاری داخلی بر جذب FDI، نظریاتی مبنی بر جانشینی FDI جذب شده در یک کشور با سرمایه‌گذاری داخلی آن کشور وجود دارد، اما افزایش انباشت سرمایه داخلی، موجب افزایش تأثیرات تجمعی^۲ می‌شود و FDI بیشتری روانه EPZها می‌گردد؛^۳ بدین معنا که با گردهمایی بنگاهها در کنار یکدیگر، صرفه‌های خارجی ایجاد می‌شود که این امر موجب کاهش هزینه تک تک بنگاهها می‌شود و ترکیب واحد تولیدی کشور داخل با بنگاههای خارجی حامل FDI، موجب تولید کالاهای نهایی با هزینه پایین‌تر خواهد شد. همچنین ایجاد پیوند پسین و پیشین بین بنگاههای داخلی و خارجی، نه تنها سرریز دانش را تقویت می‌کند؛ بلکه موجب اطمینان بخشی به بنگاههای خارجی می‌شود که در دریافت ملزومات تولیدی (نظیر خدمات مورد استفاده در تولید کالاهای نهایی) از بنگاههای داخلی دچار مشکل نشوند. از طرفی آن سیاستهایی که در جهت بهبود محیط کسب و کار هستند و از این‌رو موجب جذب سرمایه‌گذاران داخلی به مناطق و تسهیل تولید و امیدواری نسبت به آینده می‌شود، برای سرمایه‌گذاران خارجی نیز همان تأثیر را دارند (یا حداقل تأثیر سویی بر آنها ندارد)؛ بنابراین انتظار می‌رود که جذب سرمایه‌گذاری داخلی، تأثیر مثبت بر جذب FDI، داشته باشد.

همچنین، β_{1i} عرض از مبدأ و β_2 ، β_3 و β_4 ضرایب (کششها) مدل هستند که باید تخمین زده شوند. قبل از انتخاب مدل تصادفی یا ثابت، بایستی مانایی متغیرها را بررسی کرد.^۴ آزمون مانایی فرض وجود ریشه واحد را برای برخی از متغیرها رد نمی‌کند، بنابراین نمی‌توان گفت که تمام متغیرها ایستا هستند؛ اما آزمون وجود ریشه واحد در مورد

^۱. Dorsati Madani, *A Review of the Role and Impact of Export Processing Zones*, 1999, pp. 29- 32.

^۲. Agglomeration Effects

^۳. Vinaye Dey Anchars, *FDI and Export Performance of the Mauritian Manufacturing Sector*. University of Mauritius, Réduit, 2003, (November 2003), appendix.

^۴. هرچند به علت محدود بودن سری زمانی بکار رفته که صفر بودن اطلاعات مرتبط با مناطق آزاد ایران در سالهای اولیه مزید بر علت است، آزمون مانایی، بویژه آزمون مانایی برای منفردها (در طی زمان برای هر مقطع) زیاد قابل اتکا نیست.

باقیمانده‌های مدل، فرض عدم وجود همجمعی بین متغیرها را رد می‌کند، پس متغیرها همجمع هستند که نتایج آن در جدول (۱) آمده است.

جدول ۱. آزمون وجود ریشه واحد در باقیمانده مدل برآوردی

احتمال	مقدار آماره	نوع آماره	فرضیه صفر مبنی بر وجود ریشه واحد مشترک
۰/۰۰۰۰	-۱۱/۲۹۰۹	t	آزمون Levin, Lin & Chu
	مقدار آماره		فرضیه صفر مبنی بر وجود ریشه واحد در بین منفردها
۰/۰۰۰۱	۲۸/۸۳۸۶	χ^2	آزمون ADF - Fisher

با توجه به اینکه در مدل بکار رفته در این مقاله، تعداد مقاطع از تعداد متغیرها کمتر است، با نرم‌افزار EViews آزمون هاسمن امکانپذیر نیست. برای انجام این آزمون، پس از پشته کردن داده‌ها، اطلاعات به نرم‌افزار TSP انتقال داده شد و آزمون هاسمن انجام گرفت که اطلاعات آن به شرح زیر است:

$$\chi^2(2) = 4.8787$$

$$P\text{-value} = 0.0872$$

بنابراین فرض صفر مبنی بر اثرات تصادفی رد شده و مدل با اثرات ثابت انتخاب می‌شود.^۱ اما در مورد آزمون معنی‌داری اثرات ثابت، آزمون چاو، مقدار ۷/۱۵ را نتیجه می‌دهد که با مقایسه آن با آماره $F_{(2,30)}$ فرض برابری عرض از مبدأها یا حالت مقید رد می‌شود.

^۱ برخی از متون اقتصادسنجی اشاره می‌کنند هنگامی که از جامعه مورد نظر، اغلب مشاهدات (مقاطع) انتخاب شوند، اثرات ثابت بر اثرات تصادفی ارجحیت دارد که در این مقاله، تمام مناطق آزاد ایران- که جذب FDI نموده‌اند- انتخاب شده‌اند. از سوی دیگر بیان می‌شود که در مدل‌های اقتصاد کلان، به علت اینکه به احتمال زیاد تمام متغیرهای تأثیرگذار بر متغیر وابسته در مدل لحاظ نمی‌گردد، احتمال همبستگی μ با رگرسورها وجود دارد، مخصوصاً در مدل به کار رفته در این مقاله که مدل تجربی می‌باشد، این امکان نیز وجود دارد؛ لذا سواى آزمون هاسمن، در اینجا اثرات ثابت، نسبت به اثرات تصادفی مناسب‌تر است.

آمارهای مرتبط با مناطق آزاد ایران، از گزارشات دبیرخانه شورای عالی مناطق آزاد تجاری-صنعتی استخراج شده است که در جدول (۲) مقدار جذب FDI و سرمایه‌گذاری داخلی به هر یک از مناطق را ملاحظه می‌کنید. سایر اطلاعات نیز از شاخصهای توسعه بانک جهانی نسخه ۲۰۰۶ استخراج شده است.

جدول ۲. مقدار FDI (میلیون دلار) و سرمایه‌گذاری داخلی (میلیارد ریال) جذب‌شده به مناطق آزاد کیش، قشم و چابهار

سرمایه‌گذاری داخلی			FDI			
چابهار	قشم	کیش	چابهار	قشم	کیش	سال
۰	۱۱۶/۵	۴/۳۱	۰	۰	۰	۱۳۷۲
۰	۱۰۹/۶	۲۶	۰	۰/۳۱	۰	۱۳۷۳
۵/۱	۸۲/۲	۱۱۶	۰	۲/۶	۰	۱۳۷۴
۶۸/۷	۵۷	۳۰۵	۰	۴۳/۷۵	۲۹/۳	۱۳۷۵
۷۵/۹۷	۱۸۳/۶	۳۳۵	۰	۶۱/۷	۱۳۰	۱۳۷۶
۱۳۴	۲۷۶/۶	۱۷۲	۰	۱۰۰	۱۱۸	۱۳۷۷
۱۱۴	۳۳۰/۶	۲۵۳	۱	۱۴۱	۱۲۰	۱۳۷۸
۱۰/۷	۴۷۸/۷۵	۳۱۲	۱	۱۲۵	۱۱۵	۱۳۷۹
۵	۵۸۵	۲۵۵۳	۰/۳	۱۶۰	۲۱۸	۱۳۸۰
۴	۶۰۰	۳۳۹۸	۱/۲	۱۴۳	۳۱۵	۱۳۸۱
۱۰۹	۶۴۹	۷۶۴۹	۱/۲	۲۱۷	۳۰۳	۱۳۸۲
۸۲۸	۶۷۰	۸۲۹۶	۵۲/۵	۱۰۰	۳۰۰	۱۳۸۳

منبع: شورای عالی منطق آزاد؛ گزارش جامع عملکرد (۸۰-۱۳۷۲).

نتایج مدل را بطور خلاصه در جدول (۳) مشاهده می‌کنید. همانطور که ملاحظه می‌شود، تمام ضرایب (کششها) بامعنی و مطابق با نظریات FDI است. مقدار R^2 تعدیل یافته بیان می‌دارد که ۷۳٪ از تغییرات متغیر وابسته توسط تغییرات متغیر مستقل توضیح داده شده و آماره F نشان می‌دهد که ضرایب توأمان صفر نیست.

جدول ۳. خلاصه نتایج برآورد جذب FDI به مناطق آزاد ایران

متغیر مستقل	نرخ بهره خارجی	نرخ تورم ایران	سرمایه‌گذاری داخلی
ضریب(کشش)	-۰/۹۸۱۰	-۰/۲۳۵۸	۰/۲۲۳۶
آماره t	-۳/۸۰۳۱	-۱/۸۶۵۹	۳/۰۳۷۵
$\bar{R}^2 = 0.7349$		F-statistic=14.8618	

- نرخ بهره

ضریب (کشش) نرخ بهره پرداختی بانک‌های سوئیس به پس‌اندازها ۰/۹۸- است؛ یعنی اگر ۱٪ نرخ بهره افزایش یابد، بطور متوسط ۰/۹۸٪ مقدار جذب FDI به مناطق کاهش خواهد یافت.

- تورم

ضریب(کشش) تورم ۰/۲۳- است؛ یعنی ۱٪ افزایش در نرخ تورم، موجب می‌شود که بطور متوسط ۰/۲۳٪ جذب FDI به مناطق کاهش یابد.

- سرمایه‌گذاری داخلی

ضریب(کشش) لگاریتم انباشت سرمایه داخلی ۰/۳۲ است؛ یعنی هر ۱٪ افزایش در سرمایه‌گذاری داخلی، بطور متوسط منجر به ۰/۳۲٪ افزایش در جذب FDI به مناطق می‌شود که وجود رابطه مثبت در اینجا، نشان‌دهنده رابطه مکملی بین انباشت سرمایه داخلی و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در مناطق است.

نتیجه‌گیری

آزادسازی جذب سرمایه‌گذاری خارجی، تنها شرط جذب FDI به مناطق آزاد نیست. برآورد مدل نشان می‌دهد که نرخ تورم اثر منفی و سرمایه‌گذاری داخلی در مناطق، اثر مثبت بر جذب FDI به مناطق آزاد تجاری-صنعتی ایران دارد. نرخ تورم در کشور میزبان، جدای از

انعکاس افزایش قیمت منابع تولید داخلی، برای سرمایه‌گذاران خارجی، وجه نااطمینانی و عدم ثبات اقتصادی و مالی را به همراه دارد. سرمایه‌گذاری داخلی در مناطق علاوه بر اینکه اثر مکملی بر جذب FDI دارد، نشان‌دهنده آن است که بطور کلی با توجه به سیمای محیط کسب و کار یک کشور، چه مقدار کارگزاران اقتصادی تمایل به سرمایه‌گذاری در امر تولید؛ بویژه در مناطق آزاد با رویکرد صادراتی، دارند؛ بنابراین بطور ضمنی مقدار سرمایه‌گذاری داخلی جذب شده به مناطق، می‌تواند نشانی از وضعیت مخاطره کشوری باشند.

اگر سیاستهای کلان اقتصادی باعث ایجاد ثبات مشخصه‌های اقتصادی شوند، کاهش مخاطرات را در پی خواهند داشت. این ثبات دارای جذابیت برای سرمایه‌گذاران خارجی است و از طرف دیگر، در این محیط اقتصادی، تشکیل سرمایه‌گذاری داخلی در امر تولید، بیشتر مورد انتظار است تا یک محیط اقتصادی بی‌ثبات‌تر. از طرفی ایجاد تسهیلات نظیر زیرساختهای فیزیکی، بازارهای مالی و مشوقهای صادراتی برای مناطق، هم باعث جذب سرمایه‌گذاران داخلی و هم خارجی می‌شود. بطور کلی ملاحظه می‌شود که عوامل مثبت در سطح اقتصادی و همچنین در سطح مناطق موجب تقویت یکدیگر خواهند شد.

پی‌نوشتها:

۱. اشرف زاده، حمیدرضا و مهرگان، نادر. *اقتصادسنجی پانل دیتا*. تهران: دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، ۱۳۸۷.
۲. دبیرخانه شورای مناطق آزاد تجاری- صنعتی. *برنامه توسعه مناطق آزاد تجاری-صنعتی ایران*. خلاصه تحلیلی گزارش عملکرد ۸۰-۱۳۷۲، (۱۳۸۲).
۳. دبیرخانه شورای مناطق آزاد تجاری- صنعتی. *گزارش جامع عملکرد مناطق آزاد ایران ۸۳-۱۳۸۰*، (۱۳۸۴).
۴. رضائی، مهدی. «بررسی وضعیت مناطق آزاد تجاری- صنعتی ایران از منظر برخی از اهداف مورد انتظار». *بررسیهای بازرگانی*، شماره ۲۳، (خرداد و تیر ۱۳۸۶).
۵. رضائی، مهدی. «تأثیر حکمرانی خوب بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به ایران». *رفاه اجتماعی*، سال هفتم، شماره ۲۶، (پائیز ۱۳۸۶).
۶. رضائی، مهدی. *عوامل مؤثر بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در صنایع ایران*. مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، (۱۳۸۸).

7. Alter, R. "Lessons from the Export Processing Zone in Mauritius"., *Finance and Development*, Vol. 28, No. 4, (1991).

8. Anchars, Vinaye Dey. *FDI and Export Performance of the Mauritian Manufacturing Sector*. University of Mauritius, Réduit, (November 2003).

9. Balasubramanyam, V. N. "Foreign Direct Investment in Developing Countries: Determinants and Impact". *OECD*, (November 2001).

10. Barro, Robert J. & Xavier Sala-i-Martin., *Economic Growth*. Massachusetts Institute of Technology., 2004.

11. Bassanini, Andrea and Stefano Scarpetta. "The Driving Forces of Economic Growth: Panel Data Evidence for the OECD Countries"., *OECD Economic Studies*, No. 33, (2001).

12. Duce, Maitena. *Definitions of Foreign Direct Investment (FDI): A Methodological Note*. (July 2003), <http://www.bis.org/publ/cgfs22bde3.pdf>

13. Dunning, J. H. *Multinational Enterprises and the Global Economy*. Wokingham: Addison-Wesley., 1993.

14. Easterly, H. "How Much do Distortions Affect Growth? "., *Journal of Monetary Economics*, Vol. 32, No. 2, (November, 1993).

15. Green, William H. *Econometric Analysis*. New Jersey, Pearson Education Inc., 2003.

16. Harrison, Ann E. "An Empirical Test of the Infant Industry Argument: Comment"., *American Economic Review*, Vol. 84, Issue 4, (September, 1994).
17. ILO/UNCTAD. *Economic and Social Effects of Multinational Enterprises in Export Processing Zone*. Switzerland: Geneva, UNCTAD., 1988.
18. IMF, *Balance of Payment Manual*, Washington, D.C, IMF, Last Updated., January 2006
19. Johanson, Helena. "The Economics of Export Processing Zones Revisited"., *Development Policy Review*, Vol. 12, (1994).
20. Johnston, Jack & John DiNardo. *Econometrics Methods*. New York, McGraw-Hill., 1997.
21. Kusago, Takayoshi & Zafiris Tzannatos. "Export Processing Zones: A Review in Need of Update"., *Social Protection Discussion Paper, The World Bank*, No. 9802, (January 1998).
22. Madani, Dorsati. "A Review of the Role and Impact of Export Processing Zones"., *The World Bank*, (1999).
23. Moosa, Imad. *Foreign Direct Investment: Theory, Evidence and Practice*. New York, Palgrave., 2002.
24. OECD, "Benchmark Definition of Foreign Direct Investment"., *OECD*, (1999).
25. Schrank, Andrew. "Export Processing Zones: Free Market Island or Bridges to Structural Transformation?"., *Development Policy Review*, Vol. 19, No 2, (June 2001).
26. UNCTAD. *World Investment Report 1998: Trends and Determinants*. New York and Geneva, United Nations, (1998).
27. UNCTAD. *World Investment Report 2002: Transnational Corporations and Export Competitiveness*. New York and Geneva, United Nations., 2002.
28. UNCTAD. *World Investment Report 1999: Foreign Direct Investment and the Challenge of Development*. New York and Geneva, United Nations., 1999.
29. World Bank. *Export Processing Zone, Industry and Development Division*. Washington D.C., The World Bank., 1992.
30. World Bank. "Export Processing Zones"., PREM notes, *Economic Policy*, No. 11, (December 1998).
31. World Bank. *Export Processing Zone*. Washington D.C., The World Bank., 1992.